

# نجم باختر

۱۳۲۹

شماره دهم ربيع اشاني ۱۳۲۹

فهرست مندرجات

- ۱ سفر به نیویورک و شرح آن
- ۲ عکس کلی از عمارت سوسی و چهار طبقه نیویورک
- ۳ الواح دیوار سفر حضرت عبدالعزیز با امریکت
- ۴ اخبار استامبولی از آنگا و نیام در رسب
- ۵ اخبار استامبولی از درشت و تشکیل مجلس قتب
- ۶ از قزوین و انقلاب درشت بر ضد نجم باختر
- ۷ نجم باختر
- ۸ از یادگوه شرح سفید در حصول تمدن در شرق و جنوب
- ۹ انتشار امراتنه در شاپور و چین
- ۱۰ حرکت مستشدهای مایه امریکائی بر طهران
- ۱۱ کتوب از طهران بر مخالف بهائیان امریکت

Persian Editorial Office: NAJME BAKHTAR,  
1800 Belmont Road, Washington, D. C.

صفحه اول  
جلد دوم  
شماره ۲  
۹ آوریل ۱۹۱۱  
قیمت اشتراک

# سخن‌ها

Vol 2  
No 2

ماه جلال ۱۳۴۸  
سال دوازدهم قرآنی

این جوید بر حسب تاریخ بهائی به روزی روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در سانس گنجی بشود و حدت ایران و ترقیات علم و دانش و علوم و فنون این قرن جدید و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این این علوم خواهد نوشت . مقالات مفید که موافق سبک ادب است قبول و نشر خواهد کردید

## نیویورک

در ماه گذشته میر جریده بجز با شتر بجهت انجام بعضی امور و ملاقات با این سفری به شهر عظیم نیویورک کرد و مدت یکماه در آن شهر اقامت نمود شب در روز با یار و رفیقان معاشرت حسنه و در مجالس متعدد بهائیان بنابر حضرت رب العالمین و انشاء زینت و شوق مشغول گشت و حال بهائی این شهر در علم و فضل و احاطه بر دانش ابراهیم امری از هر جهت در نظر ما من مشهور و معروف و مخالف نظر بعضی آنها بر در وجود .

در غلظت ظاهری در بندگی عبادت در شکی بدکبای عمومی در نماز و کعبه و کجانی می در یکجا و فایده های مختلفه در ساختن سوره ها و کتابخانه و بهر حال و کلیات و در انفسون با در سخنان و در انجزه با این شهر و در مجالس و نظیر ندارد . خرج مدد مسکن عمومی برای سالی صد است کرد است مدد مدارس بجائی از هزار میگردد سالی چهار کرد است که در این شهر در مدد می روند معتمدین مدارس از چهل هزار نفر بیشتر است سالی پنج کرد خرج ساختن سوراخ و طوق . یازن کرد خرج در اینجا

در شب عید نوروز ضیافتی بسیار مفصل فراهم آورد و انفسی زیاد از دنیا مرد حاضر بودند نیز با بلبل و ریاضین و انواع خوراکیهای شرف و عزت مزین داشته و میوهها در نهایت کثافت و در تابند داشته بودند پس از صرف شام چند نفری از یاران به تملات الواج شرح عید نوروز و تشییع و تحریک در خدمت بنوع انسان شروع نمودند پس حضرت عبداله با بر ممالک امریکت مطرح خطابه نصیحی کردید بود که بسیار مؤثر واقع گشت و کل نذیم قلب دعا و مساعدت کردند که این عطیه عظمی شامل احوال ایلادت متحد کرد . و غرض عمومی که دعوت نامه از جانب جمیع بهائیان امریکت است با بعضی نفوس زیاد رسید حاضر گشته و همین چند روز در سال حضور حضرت عبداله با خود برگشت .

سه کرد برای ادا نشدند و اگر در فکر خرج ادرارت بکنند و عدد در نامه های نیویورک از دو هزار کرد است و نفوذ در سوراخ این جزا شد و بهنگی شهری در شتر عقائد و افکار جدیدی حد حساب جمعیت این شهر از امان جمع ایمان و لذاتانی کل اقامت مرکب گشته و بر طائفه بر حسب دین و ایمان خود خداوند بخیرت عبادت نماید و هیچ وجه من الوجوه حکومت یا طبقه روحانین در سینه او ایست مردم دخل تصرف نمی کنند . دوست نیویورک که بواسطه دوستی خانة پارس " از هم جدا است با هم برای آئین که بر یک است هفت هزار باطله دانی است و هر یک از پنجاه الی سبت کرد در تمام متصل نمودند و برای این جسمه اقطار ای آیین و نماز در روز است و همچنین در زیر این روحانیه بزرگ لقب (تسل) شده که دوست شهر لایم و عمل نموده بعد از برای تسهیل بود . امریکت که این در خیابانها راه های وسیع حفر کردند و ترقی های برای مردم بنا کردند و از اول آبی اخضر مریسانند . انشاء در شماره ای آئین مفصل از مجانب این شهر خواهیم نوشت و حال بعضی ملاحظه فارغین غلظت می در عمارت بلند و جانب نماز

جمعیت شهر نیویورک بر حسب سر شماری چند ماه گذشته به نذر دو سبت و هفت و پنجاه هزار پنجاه و هشتاد و شش نفر رسیدند و نظام ادرارت و شکی عبادت و احوال ادرارت تربیت طرافت خیابانهای از اول شهرهای جهان محسوب است .

شهر لایم و عمل نموده بعد از برای تسهیل بود . امریکت که این در خیابانها راه های وسیع حفر کردند و ترقی های برای مردم بنا کردند و از اول آبی اخضر مریسانند . انشاء در شماره ای آئین مفصل از مجانب این شهر خواهیم نوشت و حال بعضی ملاحظه فارغین غلظت می در عمارت بلند و جانب نماز



سفر عبدالبهاء بامریک

بها بیان این بلاد بتدریج بر عظمت و جلالست سفر حضرت  
 ایشان بر ایالات متحده آگاهی پیدا نموده جدا بر کمال توانایی  
 در بر رفع موانع قیام نمودند و امیدوارند که بزودی این بزرگوار  
 واقعه تاریخی تحقق یابد. حضرت مولی العالی در الواح خبره  
 میفرمایند: "دی شهباز نامه تو رسید با همه اظهار  
 همیشه مکاتبات بسیار با سبب آنجذاب جان ددل هر دو گردد هر  
 زمان که امریک استعداده حضور من حاصل نماید یقین بدان  
 که خواهم آمد." در لوح دیگر نازل شده: "مردم منول بود  
 که اجای بوستن و آمدن نهایت برود داشتند که من  
 بامریک خواهم آمد و این فریب انشا در ندای ملکوت در  
 این صفحت گشت عبدالبهاء ملا نهایت اشتیاق  
 بدیدار اجابت نامه و مذاکره با امام رحمن است ولی باید امریک  
 استعداد حضور پیدا نماید زمین باید مستعد گردد تا ابر آساری  
 کند و از فیض سخاوت ناسیج حاصل شود امیدم خان  
 که این استعداد را خواهد شد.

از آبان شهر از

دافع نگار ادب بنویسد: "حمد خدا را که مقصود از این سفر  
 و مشیوم چه که بنجم باختر خاور را در شور و دل آورده چون ستاره  
 با اعداد کاذب را تبدیل بصادق نمود خدیگان فرانس فقلت  
 از اشعه خویش بیدارده هوشیار ساخت و بر بنجید تسبیح  
 جلیس مشول گردانید نای عشقی بر افراخت و جمله بستند  
 بسی عاشقان که قدم در گوی عشاقان گذاروند و بسوی مقصد اصلی  
 شتافتند از اوضاع این بلاد بخواهید تا ایادت نوید کل  
 فیوم رد برقی است اجای سخن بو ظلمت صدق در خدمت  
 سماعی و جا بزند. در این ایام جمیع نقاط ملکیت ایران بنوع  
 خدمت اجای الهی شوره است و دست اتحاد بیکدیگر در  
 و کمر بست را بر بسته اند بیاد دست نمیشند از جام  
 و در سار در جمیع شهر ادعوات و دعوات کافله دعوات  
 و صفات و تبلیغ و غیره هر روز محقق و تشکیل میگردد و در نهایت

نسی و کوشش در حق مقصد جلیل شمی نماینده از آنجمله در این  
 بعد در این ایام عقب از خادین مرکز زمان بدست هم جمع آنکه دکل  
 جان و دل دست اتحاد دیگرانگی بدست هم در آن نایه سید  
 موید و موفق بخدمت شوم دیبواشت و معاهدت بیکدیگر  
 مانعه و حدود غیر لازم را از میان برداشته بخدمت استان  
 و جانفشانی در طریق نبی نوع انسان نائل آیم و بیکدیگر  
 در محفل انتظام متعقب نمودیم و نقداً در نهایت نظم و ترتیب مشغول  
 دیکته اجرائیه محفل انتظام ترتیب است لکن ناظم حضرت حاجی تو انگر  
 نمیشی لایزال نظر نامه و تحویلدار لایزال عزیز زنده غلبه بها و نامه. امیدواریم که  
 اجای الهی در اطراف جهان کما هو کما این قایمان را بقلم مطونت و  
 تحت یاد آوری فرمایند باری مجلس بین بدعبارت است از محفل  
 روحانی و محفل انتظام و محفل امام الرحمن و محفل مکاتبات و محفل اطفال

و این آخری هفتگی یک روز قریب دو ساعت در دست  
 جمع شد و به تدریس الواح و مناجات و کلمات کهنه نشسته  
 آن در باب بندگی تربیت کمال انبند رسد سال است و وضع  
 ایرانی تا نسبیست و علم بواسطه کی از آزاد مردان آبان مسکوم  
 علی خان بر پا کردیم این شخص جان در فرام آوردن بسبب تعلیم  
 این بلد سالی است که کمتر کسی مثل او اینقدر وقت خودش را صرف  
 ایجاب می کند ولی چون معادنی نداشته برای او بسیار شگفتی بود که  
 انبند رسد بجز اصول تمدن جدید کند تا آنکه جزا گذرشته پس انداخته  
 نویسد که در سر امریکانی ظهور آن فارغ تحصیل گردید با تقاضای دست  
 با نجا آمد در این قلیل مدت قدری شباهت به ابراس جدید  
 نمود تا خج از انداختن کتابهای لازم از قبیل جغرافیا و حساب  
 و سایر کتب ابتدائی (جاء اشکال دست شد ما امید است که  
 بجزن ترجمه ایران و امریک دست کتب درسی ناییدی خواهد  
 نمود چون کتب ابتدائی موجود در نصف در سه سال باید نوشت  
 که باعث تضعیف است خواهد بود انبند رسد نقطه بیست و چهار  
 شکر دادند و یک معلم باری این چند کلمه بر سبیل اظہار  
 شد که از اولادت این بلد آگاهی پیدا نمایند.

دفاع نگار اداس میشود :- "اول نیورته را لازم میدانیم که زبان ریش  
 مرکز میثاق حضرت عبدالعزیز بود حافظه بگشایم که شرق و غرب را چنین  
 متحد و متفق فرمود در ابطه سعوی را چنان حکم دین کرد اندک که اگر یک  
 بر اندازیم قلب لا است حقیقی ایرانیان فرمود که ندید و نشناخته با  
 وجود پسران فرسنگ دوری بعد گیر برادر دایم و عزیز خویش خود  
 و بکمال رخت و مهربانی بعد گیر نامه نگاریم فی الحقیقه جای پسر است  
 شکر شاه است که در چنین قتل موجود و به چنین نعت کبری و فخر  
 عقلی فائز و نائل شده ایم این خوش بحال آنانیکه در این روز نه بخت  
 امراته بر خو استند و جان نشانی نموندند در نفس حیات با طرف  
 اخله و کله اند کرده . پندی است که اجای رشت در غنای است  
 حضرت مولی الوری بخوش و خودش کند اند حضرت آقای  
 و خباب ... چندی قبل بر یک در موقع خود در این بلد تشریف  
 داشتند و وجود این دو نفس حکرم بر کثرت اشتغال اجاء افزودند  
 در بر یک از همان رشت که اجاء هستند محفل دارند خاصه در رشت محفل  
 بر هفته متعدد است تا آن رخت بنام محفل مرتب رشت تا پیش

دفاع نگار اداس میشود :- "روزنامه نجم باختر شروع انقضا  
 عظیم در رشت انداخته و عاقبت آن معلوم نیست کمی فتنی شود  
 بچشم فرود آید محقر نیست بدست روزنامه نگاران رشت  
 فتنه و بنای رذالت و بزرگی و بخت و استهزا و بدگویی را در جبهه  
 خود گذارند و بعضی نفوس سر زبانها آفاند چون انخاب ملی  
 از ایران ادر در دل خزند و تصور فرمود که سشده بعضی عنوان است  
 را یکی در میان بر می چنین است تا تا چه درجه هنوز در ایران  
 گوش شنیدن بعضی از کار را اندرند آنها را رضی نبودند یک  
 بهال لودی زمین باشد حال است بلکه گفته که روزنامه هم دارند  
 انهم از امریک در نخل و حد میزند تا چند بنای ف و دیگرند  
 بنظر بعضی از دوستان رشتان این شهر محتویات شما نامی  
 ۱۷۰ است و موافق حالت حایه ایران نیست قدری با  
 ملاحظه فرمود مطالب را عبارات نین مسطور نمود این بگفت  
 منزله در آثار و الواح قریب دزدیک تراست فانیان حق  
 خود میدانم آنچه را منتقد شدیم معروض داشتیم صلاح مصلحت  
 خویش فرادان دانند

و جوانی چند عضویت پیدا نمود و از برای خدمت با امراته حاضرند  
 بنفتم کثرت به موجب پرگرام انعقاد محفل بشود و کارهایی که انجام دادند  
 مراست با عطف تائیس محفل جوانان جمع کردن با بیان برسم خانه  
 در عهد گرفتن خدمات و تکلیفات ساز خانه نشوون عموم دوستان  
 بر خدمت امراته امور جزیره و اجوی او امراته . بر یک از اعضا  
 بنفتم یک شب همافی دان و اجای در اقبال را جمع کردن و آنها را  
 بیکر حق و هجتای امری مشغول میدارند . مطالبی که پیشنهاد کرده  
 بهمانا افتتاح مدرسه خواستن مبلغ مخصوص چه که جمع اهل رشت  
 میداریم تا قریب یک ندر جمع مؤمن در قبیل شوند و از این  
 اعظم بنوشند و از این آقاب عالمان بهر و نصیب گردند .  
 روزنامه نجم باختر که حاکی از بشاد است و اشاعت در رشت  
 همراه نیست و سبب اشتغال و انجذاب باران این  
 سمان مگر

نجم باختر  
 یکی از اصول نامه غیر شکره این جرید محقر بهمانا راست گوی حقیقت  
 سران بود و اگر محتویات شما نامی مذکور خارج از حقیقت است  
 بدون شک نویسنده آن سزاوار هرگونه خدمت و کوشش خواهد بود  
 دیگر با حالت ابرو در لبان نتوان بر خطای را چشم پوشی کرد و هر کس  
 اغراض نمود نیم قرن است که بهائیان ایران بدف بر گونه ظلم و  
 و گشتار بود اند در نهایت صبر جمیع این بار نامی گران را بدوش  
 گرفته هیچ نگذرد و حال که در غایت ادب و عدلیت و کله از  
 عرض کند جواب حسابی بشوند سخنرانی استهزایی بنشد خوب است  
 نویسندگان جراند رشت عرض آنکه سزاوار سخنرانی استهزایی  
 آن ایش نمایند در ایضا و ملت و بگاشی اما بی بدخت ایران است  
 فصاحت و بلاغت ابراز دارند زیرا در این دنیا بچکس از رذالت  
 و بزرگی باری نگرفت و فائده نبرد . باید اما اما ای ایران  
 بدون ملاحظه عقاید دینی در ترقی و پیشرفت این ارض متفلس

بگوئیم دوزخ معارف و علوم سعی نمائیم و در بناه مدلس  
و بجای آن بفرستد جانت و ساختن راه آهن و حف مصادرات  
و تعمیر بناه و بنا در علم و هنر بخرج دهیم و اما این مناقشات و بی دین  
نزد خود دایمی مذهب ما را از ابتدا بقصد اصلی رسانیده بدین حد رسیده  
بذلت و فدا غرقان خواهد نمود . بنجم با خرد و دستا بر این است  
و خادیم حقیقی ساکنین امالی این سرزمین است عاشق ترقی آنها  
است نزدشمن از عظیم طلب مشتاق اعتد و جسد آنهاست  
و دعای نماید که روزی بیاید که آن وقت مانند دست سرزنه تراپون  
علم تمدن قرن جدید را بر او بعد قتل آفاق بماند نماید و در حوضه  
و دل حبه داخل گردد و با هم دولت تمدن که در یاد و یاد ادا  
معانی لطیفه است شهر گردد و اگر این اختلافات و نسیه  
و این مخالفات مذموبه از قلوب ایرانیان زایل گردد سستی  
نست که در قتل دست به جمع امالی خود در آن خواهد خواهند  
شد ایوم یوم وحدت است نه کفایت روز دانه ای است  
نه جهالت ما تا جمع پیران یکت خاکیم و ابا یکت وطن لهذا بلی  
در حقیقت حقیقی چشم از هر گونه اختلافات بپوشیم .

انسان کار و اندر آخر او گرد و شرسار : عاقبت بنیان بونهاد  
و فکر و فکر و علم باستداد . سرزمین مستند و دقیقه و نکته و نکته  
که امالی غریب اقداماتشان در امور کلیه و جزئیه و تالیفات قطع  
و ضمیر از روی بصیرت و دانائی برون آوازه خطه عاقبتا بنجم  
امری را نمایند و بعد اقدام در مقام امور کنند و بر اصول حکم متفقند  
بنیاد اساس بنهند لذا ابدی گردد و دائم در هر می شود ولی بر عکس  
امالی شرق بدون تفکر و تأمل و بدون مدح خطه مال بینی اقدام در امور  
و ابد آفتاب و تحقق در نتیجه و ثمر آن نشانند که آری نتیجه و عظیم است  
و با آنکه ثمر عظیم لذا آن اساس بعد از تعلق بی اساس شود  
و بعد از زمانی بواسطه تضاد مانعی این بنیان رفیع ویران گردد و آن  
مرحکم مشیدی بنیاد گردد . دیگر آنکه کلمه نسبت امالی شرق  
زردی اغراض شخصی و با عبادت و عقیه است نه از روی اصول  
و قواعد صحیح و مدح خطه ثمرات و فوائد آن امر عظیم خطه است و کلمه نسبت  
اصولی و حقیقی از برای دولت و خواری و محدودیت از فیوضات  
ترقی و تعالی و عدم میل مفاصل سیاسی امالی شرق بهمانای علمی و بصیرت  
در امور است زیرا امالی غریب بنور علم و عرفان متور و روشنند  
و لکن امالی شرق در ظلمت جهل و حرمان مستغرق امالی غریب  
و احوال معیشت در حقیقت مخنوم و سلبیل مکتوم که ایش در ذات است  
و آزادی و حریت متور ولی امالی شرق را هم مشکت معیشت و مخنوم  
شرکت و سخن و تکی رزق مقسوم . امالی غریب بر ثمر شجاعت انسانانی  
اما امالی شرق در پسین در ظلمات و شبهات مخمب مانده از مشکت  
و ابر آمال انسانی و مقصود حقیقی محروم مانده اند . امالی غریب بواسطه  
علوم بدیع و صنایع عجیب و خوارق عادات غریبه که بحیر عقول و افکار  
بر بسیار است چون بجوم باز خنده و اظهار خیر تا بنده و در خشنود  
ولی امالی شرق بواسطه مخنوم علم و معرفت و فقدان صنایع بدیع و مخترعات  
جسمه چون نخاش کور در ز او که کور خیزد اند . امالی غریب بقوت علم  
و ثروت مشاهدت مساعد بگردند و مقتبط از همدگرند ولی امالی  
شرق بواسطه تراکم ظلمات بعضی ذوق بعضی از جهل و غرور و خود  
بینی و خود غرضی از خدمت و ثروت اتحاد و تعاون محروم و بجز گردانند  
بامری جامی و خون دل بر یکت کسی داوند و در اثر تقسیم اعضاء  
چنین باشد یکی را با هم سرشار بخشیدند و دیگر را چشم اشک  
کی را بنور علم و معرفت افزوده و دیگری بنار جهل و غفلت سوخته

از بنا و کوبه  
توابع نگار اداره بنویسد : ای کاتب استطاب که چون نشود  
و نونو نشود بود بسبب جوهر سرد و موفد که باید و از مضامین منده که کل  
مواظف حسنه و مضامین حکمانه بود بی نهایت ممنون و تشکر کردیم که این  
کار دل و جان فی الحقیقه هر بان بنوع انسان خافه نسبت به امالی ایران  
که در غرقاب جهالت و ناهکث غفلت حیران و سرگردانند شرحی از  
مال اندیشی و عاقبت بینی سرقوم که باران الهی و دانشندان اینچنین  
روحانی باید ناظر بواجب امور باشند و نتایج هر اساس باشند و این  
تالیفات کلمه را بر اساس حکم بین گذارند و بنیان را حصین  
سند نامه تسامع قرون و اعصار ابدی در سر می گرد و دستا اول نام  
و حادثه واقعه تا فرجام زمان غفلت بایرکان دی زرش غریبوت  
بر این نکته دقیقه و آفت گشته اند ولی شرقیون از این ترکتوت  
مخافند بی چنین است که کن خردمند یگانه سرقوم داشته اند و بر  
سرستری بر داند فغم مقال المولوی المعنوی : هر که اول بنگرد

از بنا و کوبه  
توابع نگار اداره بنویسد : ای کاتب استطاب که چون نشود  
و نونو نشود بود بسبب جوهر سرد و موفد که باید و از مضامین منده که کل  
مواظف حسنه و مضامین حکمانه بود بی نهایت ممنون و تشکر کردیم که این  
کار دل و جان فی الحقیقه هر بان بنوع انسان خافه نسبت به امالی ایران  
که در غرقاب جهالت و ناهکث غفلت حیران و سرگردانند شرحی از  
مال اندیشی و عاقبت بینی سرقوم که باران الهی و دانشندان اینچنین  
روحانی باید ناظر بواجب امور باشند و نتایج هر اساس باشند و این  
تالیفات کلمه را بر اساس حکم بین گذارند و بنیان را حصین  
سند نامه تسامع قرون و اعصار ابدی در سر می گرد و دستا اول نام  
و حادثه واقعه تا فرجام زمان غفلت بایرکان دی زرش غریبوت  
بر این نکته دقیقه و آفت گشته اند ولی شرقیون از این ترکتوت  
مخافند بی چنین است که کن خردمند یگانه سرقوم داشته اند و بر  
سرستری بر داند فغم مقال المولوی المعنوی : هر که اول بنگرد

یکی بر آسایش در راحت بخشیده و دیگری زاده آتش شد  
جمع برادر علی در تبه بنده بهی مقام و منزل دادند در حق برادر حقیقت  
سفلی در کات ادنی وطن و مکان گردیدند کندکث قدم من بدن  
سقدر عظیم و لایحه ترزیک آن از العظیم تجیر و اما ان تکلم فیما لا علم لنا به  
و سده تعالی ان میدان استیانت با کثانت با کجمل و الجریاس  
با علم در لغزان و القتل و الهوان با لغز و الجبل و سید زنده  
بیر من یشاء و یترن من یشاء بر من یشاء و یخص من یشاء

جز بدهایت جمال مبارک شرق و غرب را بگشت زیاده این  
نعمه جز بناید اسم اعظم بافاق استیز از بخشد کوران انکار آفتاب  
کنند و چنان نمایند که کاری کرده اند و دیگر غافل از اینکه کوری خود را  
اشکار نمود اند

حضرت عبدالهادی یکی از ابواج اخیره به اجای خراسان میفرمایند  
نامش شهید است و از شب رت حرارت قلوب اجای الهی شمع  
شادمان برافروخت و فرج روحانی رخ داد عبد هادی باقیم یوسف  
سغانی سفونود و عبودیت استان مقدس مشنگشت هر چند لیکن  
از باب لایحه و مغزیات جراند در خطر است ولی امید جان

حرکت مسترهای مایه امریکائی به طهران  
در هشتم ۱۰ آوریل پنج نفر مسترهای مایه امریکائی که سالی بر  
تنظیم امور مایه ایران اجبر شده اند با عیال و اطفال خود که رو بهم رفته  
همفرد نفر میوند از نیویورک عازم طهران شدند . بزرگترین و بهترین  
واقع تاریخیه دوست محمد ایران همانا انتخاب این پنج نفر دانیال  
امریک است که نشاء الله بزودی ثمرات یحیو از اعمال آنها در  
صنوع ترین ایران ظهور در بر خواهد نمود . آیند و مملکت قدیم جدید  
بواسطه روابط متقنه دوستی و علمی و تجاری بیشتر از پیش بهم مرتبط خواهد شد

است که این سفر شمر گردد و دست و پاوان امر الله من آفاق  
بحرکت کرد تخی افشاغ شود و ستفایه گردد و بیاران رحمت  
پروکار تاید شود البته برود و سینه و خرم گردد آنچه به بفضلی  
اسم اعظم روح نا جان و تقوا شدای امر الله در جمیع آفاق بلند است  
حیث کلمه الله در هر انیمش مرتفع در این ایام در امریک  
مراته سلچر افغان و شیک است و در امریک و آسیا و لوله  
ترک و باجیک و در پانخت زبان مدز نامه را به امان تائیس  
نمودند و حضرت عالم فاضل برکت آس هندی بلسان انگلیسی طبع  
فرست میفرماید بعضی از یاران امریکان عزم سفر چین و ماچین دارند  
تا شان در آن بلاد بمانند در اروپا و آسیا کوس طایفه بلند است  
سبحان الله با وجود این امر همین الهی و نفوذ کلمه الله و انشای نجات  
له معدودی نوبهوسان که از ضعف از عبوضه گلخن و غراند تقصیر  
شان نقص عیاق و کثکت پیمان است . بهیات بهیات  
این آهنگ نلکو تیر اغراب ناسوتی مفادست نتواند و این  
بیل سعایر اکلذغ گلخن فان مقابلی نتواند شهیر جریل را بال در زبان  
بیل معان نشود و انوار شمس حقیقت را طلمات کجکت وقت  
بیشاند اگر انصاف باشد کل شهادت دهند که این قلم

جراند اینچا حرکت این چند نفر هوشتندان تجرب امریک را با ایران  
فان نیک ترن و مقادلت محه در ج نمون اند و امید دارند که این  
استدای ذباب و یاب و تعاون و تعاقد حقیقی مابین انالی اما در سینه  
د ایران گردد تا امریک بر احتیاجات خود واقف شد در رفع این  
کوشش نمایند . اما اسما این نفوس که در روزنامه ما اعلان شد  
از این قرار است . مستر مورگان مستر . مستر فزنگ کرن مستر  
کات کسگی مستر هیزد مستر بروس دیکی و امریک از اینها سائل  
غاسفه مایه داخل و خرج مملکت را پیشنهاد نمودند در حال آن خواهند  
با هوش بلایات وطن پرست را با امریک دستار تا در دار بفرستند  
همی انمیکت تحصیل علوم سفید مشغول گردند و چون از تحصیل فارغ شوند  
بوطن عزیز خود مراجعت نمود و در سیداری آمدن انالی بکوشند .  
امروزه دولت چین قریب دو میلیارد جوان تحصیل در مدارس امریک  
وستان در بر سال دسته فارغ تحصیل شد . حجت بوطن مینمایند  
در جمع خدمات حزب سیکردند و دسته فکر از چین آمدن جای آنها را

و حتی دوست مغز شاپون محکم در درجه است علوم و فنون بسیار  
صعود نموده باز اطفال عزیز خود را برای امکان معارف و صنایع  
بدیده بامر یکس میفرستد. امروز امریکت قصر نورانی صنایع  
و حرف جدید است و حتی دول اردب برای تحصیل این نکات  
با همکاری سفیران در کلیات و فایده که به دست گردی مشغول  
میگردند. پس چه خوش است که ما ایرانیان قدر این نعمت  
خدا داده را بدینیم و پشت پا بر نهد برات الهی نزنیم و از نصاب  
دور بماند حضرت رسول ص که میفرماید اطلب العلم ولو بالین  
و طلب العلم زیاده علی کل مؤمن و مؤمنة فاش بریم .

نورانی در حین مین درخشید. پس ما امروز وقت داخل هستیم و برادر  
روحانی یا ششم و باید بجان و دل بجدات امر تیر برداریم یعنی کوچک شویم  
و بخردیم تا کسی که از امر استمطع شده اند به کلیات خوش و خندان  
بندید آنها را عارف گردانیم و در نقل الهی مقدس مرکز بنایست  
دارد کنیم بر فعل کار کنیم نه بقول و سرعت کار را از پیش بریم نه به عزت  
مطلوبه زاپناه کردیم و نماند از پدر شویم و غریب از آشنایان کردیم و در خانه  
شما شویم و معنی اتحاد و اتفاق را اجوی داریم پس باید همیشه در خدمت  
و در خدمت بنوع پایدار و در ترقی مردانه و زود آید و همه اعمال و رفتار  
و کردار ما با محبت و اتحاد کردن شود. از رجا می شما به تشریف آوردن  
حضرت من الله تبارک و تعالی است آمریکا بسیار مراد و معالمان خوشنودیم  
که ساحت ان دیار بقدم مبارکت منور گردد و نوع بشر را در این قطعات  
عالم از شرق و غرب از جنوب و شمال در زیر یک خیمه واحد در آورند  
اعقول را ترقی بخشد و شما که برادران و خواهران روحانی ما هستید  
و جود و طرب نمائید که از فیض جهان بی مثال محبوب عالمیان بهره  
میگردید و از شراب وحدت که از دست ان ساقی است بس  
اتحاد و یگانگی در دانست بر شایید ما چه با جیب شمس و بال سما  
باید از حریفان بان بهار ما خوش است با کمال شما که در کلیات دل آید  
بیانات موعظت انگیز آن فیاض کوشش معانی مستفیض می شوید پس  
بشمار بهائی بر آید و جمل و عظمت خدای قادر مطلق را بخند  
کنید که بزیارت جمال نورانی حضرت عبد الباقی سرافراز دیانت  
نعت کبری منقح میگردید خوش خوش با کمال شما اگر آن در دریاکی  
معرفت دیگر تا ز غرض میدان وحدت ساحت امریکت را بوجه تیر  
آفتاب طلعت یزدانی روشن دستور فرماید و مسلم است که تا هیچ این  
سفر قلب پر زور را روح حیات دهد و ثمرات خلدیه بخشد چه قدر بخت  
این عطیه کبری شاکر و بچه اندان قدر این موهبت الهی بدانیم که ان  
طلعت یزدانی در ملکوت صحر چون یوسف کفانی پس از حبس در بنجر آزادی  
و نفس خویش بر خدمت امره و ثمر نجات تمه قیام نمود و از مسافرت  
امریک و ملاقات ان بدان را در ان دیار و قلبی که هنوز در بسته کاغذت  
بانی هستند زلف نمود حیات بخشد باری حضور امریکت از ان  
برادران روحانی و خواهران معنوی نیت بهان و مسلم و اتحاد و یگانگی  
برسانیم . . . . .

از نظران

بگفته مقدس برادران روحانی اعضا محترم محافل بهائیان امریکت شریف  
باید استان الهی و تقوی علم مقدس بهائی باشد و نوری را بنید و پروردگار  
پرستند ایم که باران رحمت بی حسابش بفرماید و خواجه نصیر میفرماید  
هر چه کشید باشد و در نهایت سعی بر خدات امر تیر ثابت دستم  
نماند و در عهده کلمه که گریخت را محکم نمائید زیرا جراتی اطمینان صبر  
در جنت علماء و فرود بس طالی عدیل و نظیر است عا انکھ ص در این  
بهار خنجره ز جام که نسیم اراقم میوزد در است که آنم مرتفع و صدای  
بلند و نوای پرچم مرکز یثاق بگفتن ان رسید خدایتکه ایوم لذت  
سعد کس در هر کمال روحانیه در امر ملکوت بر تیر بنظر میرسد در دفتر یزدانی کار  
چنانچه خدایات بطرس و پولس در امر مبارکت حضرت سبح تا ابد آبا و اجداد  
برقرار است خدایا عزوجل که دادنت را بیک صیغه ناگهان از خوا  
عظمت بسیار و دستوری جهوشیار و از قبور جهالت بر خیزانید و بولوی  
طلب انگیز فرج آئین ملکوت آید رسانید و قلب با نزار شدن  
روحانرا از نجات امرانه معطر فرسود و اتحاد و در تقی ایجاد و غلط  
نمود و خدای غلیظ تقلید را از بصر ایمان برداشت و آداب سعادت  
و سکوت نمودن با هیچ ملل را با آموخت و بواسط ترقی سعادت  
بر دیان گشت و کلمه مبارکه اصلاح الم را بر ما زار داد و جنگ و جدال  
منع فرمود و بخت دموات را اجرا نمود و از سه راهت اسطر علم  
و معرفت بارانید و از این اسطر زلال گیتی حیات تان یافت  
بالبسته جدید تمس گردید جهان جهان نبر جدی شد و اور شلیم الهی  
بمفتوح گردید و چشم عدل و داد در هیون مقدس بر افراشت و در

بگفته مقدس برادران روحانی اعضا محترم محافل بهائیان امریکت شریف  
باید استان الهی و تقوی علم مقدس بهائی باشد و نوری را بنید و پروردگار  
پرستند ایم که باران رحمت بی حسابش بفرماید و خواجه نصیر میفرماید  
هر چه کشید باشد و در نهایت سعی بر خدات امر تیر ثابت دستم  
نماند و در عهده کلمه که گریخت را محکم نمائید زیرا جراتی اطمینان صبر  
در جنت علماء و فرود بس طالی عدیل و نظیر است عا انکھ ص در این  
بهار خنجره ز جام که نسیم اراقم میوزد در است که آنم مرتفع و صدای  
بلند و نوای پرچم مرکز یثاق بگفتن ان رسید خدایتکه ایوم لذت  
سعد کس در هر کمال روحانیه در امر ملکوت بر تیر بنظر میرسد در دفتر یزدانی کار  
چنانچه خدایات بطرس و پولس در امر مبارکت حضرت سبح تا ابد آبا و اجداد  
برقرار است خدایا عزوجل که دادنت را بیک صیغه ناگهان از خوا  
عظمت بسیار و دستوری جهوشیار و از قبور جهالت بر خیزانید و بولوی  
طلب انگیز فرج آئین ملکوت آید رسانید و قلب با نزار شدن  
روحانرا از نجات امرانه معطر فرسود و اتحاد و در تقی ایجاد و غلط  
نمود و خدای غلیظ تقلید را از بصر ایمان برداشت و آداب سعادت  
و سکوت نمودن با هیچ ملل را با آموخت و بواسط ترقی سعادت  
بر دیان گشت و کلمه مبارکه اصلاح الم را بر ما زار داد و جنگ و جدال  
منع فرمود و بخت دموات را اجرا نمود و از سه راهت اسطر علم  
و معرفت بارانید و از این اسطر زلال گیتی حیات تان یافت  
بالبسته جدید تمس گردید جهان جهان نبر جدی شد و اور شلیم الهی  
بمفتوح گردید و چشم عدل و داد در هیون مقدس بر افراشت و در